میکروفیلم شد ۱۳۸۶/۱/۱۶
آستان قدس
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب شرح بیست باب

مؤلف متن خواجه نصیرالدین طوسی محشی

شارح عبدالعلی بن محمد برجندی مترجم

تاریخ تحریر ۱۱۳۰ ق نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۵

جزء کتب هیأت و نجوم زبان فارسی عدد اوراق ۱۴۵ ۱۵۱

طول ۱۸ عرض ۱۲ شماره عمومی ۲۲۹۳۷

وقفی خریداری مرحوم عبدالباقی آیت اللهی تاریخ وقف خریداری اسفند ۱۳۷۴

ملاحظات

وقف بر امام همام حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف: مرحوم آیة الله العظمی حاج سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی

هو

جانب غرب روانند چهار ای سائل
زحل جوزهر باز مه بید مایل

شرح بیت باب ملا عبد العلی برجندی
در معرفت الطلاب
لمحرره

هو

بدان اجرام سیارات بی ریب
لطیط خح سیته هزذ زریب
شرف کواکب سبعه
فلوکا یحجیه خطکح سصیطر
هیاکز دهیه راح سبیح

سهم الحوادث بقسم اقبال از نقص قمر
[illegible] نقصان که شمس را بر تقویم
زحل افزاید حاصل موضع
سهم الحوادث باشد و لا عمال [illegible]
در وقت اجتماع ابر سهم [illegible]
زحل باشد و در استقبال مقابل

شرح کواکب

در زحل را ترح [illegible] مشتری را مرد ال بحر خاص
زحل را در یازده [illegible] باز مریخ زرده و [illegible]
در سیم شمس و [illegible] در دهم [illegible] ایران بر [illegible]

باورد و ال دال برف و باد و یخ
چنانکه یخ قمر و سل سماک و لی

نوشته باشند و آنرا اجزای آن جره و بظهر الطلاب یعنی

مبدا تاریخ جلالی روز جمعه دهم رمضان سنه احدی و سبعین واربعمائه هجریه است

بر پشت جره دو خط مستقیم

وضع تاریخ فرس قدیم در زمان جمشید کرده اند و بعد از و عادت چنان بوده که هر پادشاهی که والی ملکی

گشتی تاریخ را از وقت جلوس او کنندی چون ایام ملک او منقضی گشتی آنرا ترک کرده بنام آن

کسی که استیلا یافتی تجدید کردندی تا آنگاه که ملک به یزدجرد شهریار بن پرویز رسید

تاریخ را بنام او نقل واز ملوک عجم بود و چون بعد از و پادشاهی

باستیلای او برنخواست تاریخ از نام او منتقل

به یکی نشد و تاریخ فرس از اول

عهد او بر نام او قرار

گرفت و مشهور

گشت

۵

[illegible]

۱۴۸

در دانستن انکه هر روز ماه در کدام برج است

این مبنی بر دانستن دو مقدمه است اول انکه بدانی که در آن روز آفتاب در کدام برج است و طریق دانستن این انست که چون اول نوروز شود آفتاب به برج حمل میرود و چون آفتاب هر یکماه در یک برج میباشد پس دایما حساب را باید دانست که از نوروز چند گذشته است مقدمه دوم دانستن قواعد این قطعه است که محقق طوسی طاب ثراه انشا فرموده است چنانچه اگر حساب درست نگاه دارند اصلا اخلاف واقع نشود و قطعه اینست

هرچه از ماه رفته ضاعف کن ه پنج دیگر فزای بر سر آن ه پس ز برجی که آفتاب در وست ه بکن آغاز پنج پنج بدان ه هر کجا منتهی شود عددت ه ماه آنجا بود یقین میدان ه مثلا آفتاب در برج حمل است و از ماه ده روز گذشته آنرا که مضاعف سازیم بیست شود و چندان کریم بیست شود با پنج دیگر بران افزودیم بیست و پنج شود بعد از آن از حمل فرض کردیم که آفتاب آنجاست آغاز باید نمود و برابر هر برجی پنج از آن عدد که شده است طرح باید کرد هر برجی را که عدد برو آخر شود ماه در آن برج است مثلا بیست و پنج پنج است از حمل که آغاز کنیم در برج اسد عدد آخر میشود پس ماه در برج اسد باشد و در عدد هرچه کمتر از پنج واقع شود آنرا نیز حساب باید کرد مثلا از ماه دو روز گذشته باشد آنرا مضاعف کنیم چهار شود پنج دیگر بران افزودیم نه شود آن یک پنج را اعتبار باید کرد و چهار را حساب باید نمود که ماه در برج دوم باشد ه

در دانستن انکه اول هر ماه چه روز است

و این حساب منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است و دانستن این موقوف بر چهار مقدمه است اول آنست که ده حرف از این سه کلمه ابجد هوز حطی که از الف باشد تا یا از جهت عدد معین شده که اول عدد بر موجب است ا یک ب دو ج سه د چهار ه پنج و شش ز هفت ح هشت ط نه ی ده مقدمه دوم آنست که بجهت عدد سالهای هجرت ابجد بود مقرر شده و ضابطه این انست که از سال هجرت آنچه گذشته باشد هشت هشت طرح نمایند انچه بماند از این هشت حرف ابتدا کنند و هر حرف که عدد برو آخر شود عدد آن حرف را بگیرند و ضبط نمایند مثلا اگر یکی بماند الف بگیرند یکی که عدد اوست نگاه دارند و اگر دو بماند پنج گیرند که عدد اوست و نگاه دارند و اگر سه بماند ح که انچه عدد اوست نگاه دارند و اگر چهار بماند ز بگیرند و هفت حساب کنند و اگر پنج باشد د بگیرند همه را حساب نمایند و اگر شش باند علی هذا القیاس مقدمه سیم آنست که دوازده ماه زبح هوا بده زاجی مقرر شده چنانکه از حرف ز محرم تا یه گرفت تا آخر بموجب محرم ز صفر ب ربیع الاول ح تا آخر مقدمه چهارم آنست که چون از حساب هجرت هشت هشت طرح کنند آنچه بماند حرف او را بگیرند و عدد آنرا نگاه دارند هر ماهی را که خواهند غره آنرا بدانند حرف آنرا بگیرند و عدد ماه را بر عدد سال حرف سال افزایند بعد از آن چهار دیگر بران افزایند بعد از ان هفت هفت طرح کنند انچه باند از روز یکشنبه اغاز کرده هر روزی که تمام شود غره ماه باشد و جهت انکه بر خاطرها قرار گیرد مثلی اورده میشود مثلا سال هجرت ۸۶۰ بود هشت هشت که طرح کردیم چهار ماند آن حرف چهارم ز بود و ز هفت است ماهی که میخواستیم غره او را بدانیم جمادی الآخر بود حرف او الف است افزودیم هشت شد و چهار دیگر بران افزودیم دوازده شد هفت طرح کردیم پنج ماند غره روز پنجشنبه باشد و در این حساب خلافی نیست چنین این حساب منسوب بحضرت امیر المؤمنین سلام الله علیه لهذا سمت نگارش یافت

اینست تمام سخن در معرفت اسطرلاب والله اعلم بالصواب

بغایت رسید و بنهایت انجامید روش قلم تیز گام و جنبش خامه بی آرام در قطع منازل و طی مراحل جمع و ترتیب اجزاء کتاب شرح بیست باب در معرفة قواعد فن اسطرلاب بعون الله الملک الوهاب علی ید الحقیر الفقیر ابن محمد مؤمن محمد صالح الکنجی غفر الله لهما و تجاوز عنهما بحق سید الورى واله المجتبی

۱۲۳۰

در دار السلطنه اصفهان در غره محرم

بدانکه هر روزی و هر شبی و هر ساعتی بکوکبی تعلق دارد چنانکه روز شنبه بزحل تعلق دارد و روز یکشنبه بآفتاب و روز دوشنبه بماه و روز سه شنبه بمریخ و روز چهارشنبه بعطارد و روز پنجشنبه بمشتری و روز جمعه بزهره تعلق و ضابطه شب آنست که چون شنبه را بزحل داده اند و روز دیگر از ان کواکب بعد سیم که عطارد باشد بوین دستور تا اخر شب یکشنبه تعلق بمریخ دارد و شب یکشنبه بستاره سیم که عطارد باشد و شب دوشنبه بمشتری و شب سه شنبه بزهره و شب چهارشنبه بزحل و شب پنجشنبه بآفتاب و شب جمعه بماه و ساعت اول هر روزی بدان کوکب تعلق دارد و ساعت دوم بکوکبی که بعد از ان کوکب بود و چون ساعت هشتم شود بهمان کوکب تعلق دارد که از وی اغاز نموده بود مثلا ساعت اول روز که بزحل تعلق دارد از ان زحل و ساعت هشتم باز از ان زحل بدین موجب است باقی ایام و ساعت اول هر شب بهمان کوکب آن شب تعلق و ساعت دوم بکوکب دوم بطریقی که معلوم شد ه

۱۳۷۸